

بیگانگی اجتماعی و گرایش به رفتارهای پرخطر

(مطالعه موردی: شهر مشهد)

زکیه ناطقی* ، سید علیرضا افشانی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۹/۲۶

چکیده

با توجه به افزایش بروز رفتارهای پرخطر در بین جوانان، در این پژوهش ضمن بررسی میزان بروز رفتارهای پرخطر و میزان بیگانگی اجتماعی در بین جوانان شهر مشهد، تأثیر بیگانگی اجتماعی به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در بروز رفتارهای پرخطر مورد سنجش قرار گرفته است. در پژوهش حاضر از نظریه عمومی فشار آگینو، هم‌نشینی افتراقی ساترلند، بازدارندگی اجتماعی هیرشی و گادفردسون و نظریه بیگانگی اجتماعی سیمن به‌عنوان چارچوب نظری بهره گرفته شد. این پژوهش در قالب یک پیمایش و به‌صورت مقطعی انجام شد. داده‌های تحقیق از ۳۸۴ نفر از جوانان شهر مشهد جمع‌آوری شد. روش نمونه‌گیری، خوشه‌ای چندمرحله‌ای و ابزار سنجش رفتارهای پرخطر، پرسشنامه خطرپذیری جوانان ایرانی بوده است؛

z_nateghi@hotmail.com

afshanalireza@yazd.ac.ir

* دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه یزد.

** دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه یزد (نویسنده مسئول).

در این راستا، پایایی و اعتبار مقیاس از طریق آلفای کرونباخ و روایی محتوا تأیید شده است. آلفای کرونباخ، در همه سازه‌ها بیشتر از ۰/۷ بوده و داده‌ها به کمک نرم‌افزارهای آماری SPSS و Amos تحلیل شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که رفتارهای پرخطر در بین پسران بیش از دختران بوده اما تفاوت معناداری بین بیگانگی اجتماعی پسران و دختران در شهر مشهد وجود نداشته است. همچنین رابطه سن با رفتارهای پرخطر و بیگانگی اجتماعی معنادار نبود. میانگین رفتارهای پرخطر جوانان مجرد در ابعاد گرایش به الکل، گرایش به خشونت، گرایش به رفتارهای جنسی و گرایش به رانندگی پرخطر بیشتر از متأهلین و میانگین میزان بیگانگی اجتماعی در ابعاد احساس انزوای اجتماعی و احساس تنفر از خود نیز بیشتر از متأهلین بوده است. نتایج نشان داد که بین بیگانگی اجتماعی و ابعاد آن با رفتارهای پرخطر و ابعاد آن رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد، به عبارت دیگر با افزایش میزان بیگانگی اجتماعی، ارتکاب رفتارهای پرخطر نیز افزایش می‌یابد.

واژه‌های کلیدی: بیگانگی اجتماعی، رفتارهای پرخطر، انزوای اجتماعی،

بی‌قدرتی، جوانان

۱. طرح مسئله

ساخت جوان جمعیت و تأخیر در فرآیند جامعه‌پذیری به نسبت نظم نوین جهانی در جامعه ایران در حال گذار، باعث تشدید بزهکاری جوانان شده است. در این میان، جوانانی که به دلیل ضعف کارکردهای عوامل جامعه‌پذیری و مسئولان و وضعیت نابسامان حاکم بر جامعه، نمی‌توانند تمایلات خود را به شکلی هم‌نوا و بهنجار بروز دهند، ناچار به ناهمنوایی گرویده و رفتارهای انحرافی، بزهکارانه و پرخطر را انتخاب

می‌کنند. از دیدگاه جامعه‌شناسی رفتار پرخطر^۱، با ضعیف شدن نظارت خانواده و گسترش روابط با گروه‌های مختلفی از همالان و فشارهای اجتماعی ایجاد می‌شود. بسیاری از نوجوانان و جوانان با ضربه عاطفی ناشی از، ازهم‌پاشیدگی خانواده و تغییرات مکرر در ساختار خانواده، خودشان را تحت فشار می‌بینند و با ورود زودرس به حیطه تمایلات جنسی و استعمال مواد، از خود واکنش نشان می‌دهند (Siegel, 1998) به نقل از علیوردی‌نیا، ۱۳۹۳: ۱۲۴).

رفتارهای پرخطر^۲ یکی از مهم‌ترین چالش‌های بهداشتی و روانی اجتماعی است که اکثر کشورهای جهان به‌نوعی با آن درگیر هستند و مشکلات گسترده و شدیدی را بر جوامع تحمیل می‌نمایند. با وجود تلاش‌های بسیاری که در دو دهه اخیر در جهت افزایش آگاهی عمومی نسبت به آسیب و خطر رفتارهای پرخطر صورت گرفته است، همچنان با افزایش روزافزون این رفتارها روبرو هستیم (سلیمانی نیا، جزایری و محمدخانی، ۱۳۸۴: ۷۷). شیوع روزافزون رفتارهای پرخطر برابر است با هدر رفتن پتانسیل‌های خلاق و سازنده جامعه و عوارض بسیار ناخوشایندی به همراه دارد که جبران آن هزینه‌های فراوانی را می‌طلبد (علیوردی نیا، ۱۳۹۳: ۱۲۵). رفتارهای پرخطر، رفتارهایی هستند که زندگی دیگران را مختل می‌کنند و ممکن است به اشخاص و یا اموال آنان آسیب برسانند که شامل تخطی از قانون، نظیر تخریب اموال، سرقت، خشونت یا استفاده از سیگار، الکل، مصرف مواد مخدر، فرار از مدرسه، آتش‌افروزی و تجاوز به عنف یا تهدید می‌شود (Masten, 1991: 425-444). شهر مشهد که یکی از مهم‌ترین کلان‌شهرهای ایران است و با توجه به جمعیت بالایی - که در نتیجه ورود مهاجران و جوانان جویای کار شهرستانی و روستایی به علت وجود وضعیت فقر - که به خود پذیرفته است و به علت جمعیت بالای ساکن در حاشیه شهر و ایجاد مناطق بزه در آن، زمینه و شرایط مساعدی را برای بروز و ظهور رفتارهای پرخطر داراست.

بررسی‌ها نشان داده است در شهر مشهد به ازای هر سه نفر یک نفر حاشیه‌نشین وجود دارد؛ به طوری که متوسط حاشیه‌نشینی در کلان‌شهرهای ایران ۱۶ درصد جمعیت بوده اما شهر مشهد ۳۰ درصد جمعیت حاشیه‌نشین دارد. همچنین بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، جمعیت جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال مشهدی ۷۵۶۵۶۵ می‌باشد. به لحاظ مختصات جوانی جمعیت می‌توان اشاره کرد که ۲۰ درصد جمعیت شهر مشهد جوانان ۱۵-۲۹ سال محسوب می‌شوند (آمارنامه شهر مشهد، سال ۱۳۹۵). شهر مشهد به‌عنوان شهری مذهبی بالاترین درصد زائران و گردشگران را داراست. طبق اظهارات معاون هماهنگی امور زائران استانداری خراسان رضوی، شهر مشهد سالانه حدود ۲۵ میلیون زائر ایرانی و ۲ میلیون زائر خارجی را در خود جای می‌دهد؛ همچنین به دلیل نزدیکی به کشورهایمانند افغانستان و پاکستان بزرگترین مرکز جذب توریسم مذهبی در نیمه شرقی کشور محسوب می‌شود. کلان‌شهر مشهد علاوه بر در اختیار داشتن موقعیت ویژه ژئوپولیتیکی و کارکرد زیارتی، در سال‌های اخیر با مسائل و چالش‌های عمده‌ای مواجه شده است. افزایش جمعیت و مهاجرت روستاییان و سایر شهرستان‌ها به شهر مشهد، کالبد شهری را نیز به‌طور بی‌سابقه‌ای گسترش داده است. از سوی دیگر، جوانی جمعیت، سطح تقاضای مسکن و زمین شهری را افزایش داده است. توان مالی کم برخی اقشار مخصوصاً جوانان و ناتوانی آنان در تأمین مسکن و فقدان پاسخ مناسب به نیازهای سکونتی، باعث شکل‌گیری و تقویت سکونتگاه‌های غیررسمی و به دنبال آن حاشیه‌نشینی و شکل‌گیری خرده‌فرهنگ کجرو می‌شود.

در حاشیه بودن، گسیختگی از نظام ارزشی و احساس رهایی نسبی از کنترل رسمی و اجتماعی شهری، نوعی عدم انسجام و همبستگی را به وجود می‌آورد که علاوه بر افزایش استعداد و قابلیت رشد آسیب‌های اجتماعی، موجب اختلال در نظم و امنیت عمومی می‌شود (کاظمی و جاوید، ۱۳۹۳: ۲۰۰-۱۹۹). از سوی دیگر، رواج نمایش و تجملات و مصرف‌گرایی در شهر مانند هتل‌ها و خودروهای گران‌قیمت به‌عنوان

نمادهایی از زندگی مدرن تلقی شده و تبعاً افزایش کیفیت و رفاه زندگی برای اقلیت ناچیزی از ساکنان شهر مشهد را به دنبال دارد اما مقایسه این سبک زندگی برای اکثریت ساکنان شهر مشهد که در تلاش برای بهبود وضعیت مالی و معیشتی خود هستند باعث منزوی شدن و از خود بیگانگی آنها شده و با احساس تنهایی ناشی از اقلیت بودن به لحاظ امکانات، پیوندی بین خود و جامعه احساس نمی‌کنند و چون راه‌های مشروع برای دستیابی به وضعیت بهتر محدود و مسدود است، انحرافات و آسیب‌های اجتماعی به وقوع می‌پیوندد. در این راستا این پژوهش درصدد است به این سؤال پاسخ دهد که چه رابطه‌ای بین بیگانگی اجتماعی با رفتارهای پرخطر در بین جوانان شهر مشهد وجود دارد؟

۲. مبانی نظری و مروری بر مطالعات گذشته

۲.۱. مطالعات پیشین

شهبازیان خونیک و حسنی (۱۳۹۷) در پژوهشی نشان دادند که مؤلفه‌های گرایش به مواد مخدر و روان‌گردان و گرایش به سیگار دارای بالاترین قدرت در تمایز گذاری بین دو گروه از دانشجویان با احساس تنهایی (انزوا) بالا و پایین بودند. مؤلفه‌های بعدی متمایزکننده گروه‌ها به ترتیب گرایش به خشونت، گرایش به الکل، گرایش به رانندگی خطرناک و گرایش به خطرپذیری جنسی بودند.

مطالعه عطادخت، فلاحی و احمدی (۱۳۹۶) نشان داد که رفتار پرخطر با از خود بیگانگی و مؤلفه‌های آن و احساس تنهایی و مؤلفه‌های تنهایی اجتماعی، تنهایی رماتیک و تنهایی خانوادگی ارتباط مثبت و معناداری دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که ۴۵ درصد از کل واریانس رفتارهای پرخطر به وسیله از خود بیگانگی تحصیلی و ۲۸ درصد به وسیله احساس تنهایی تبیین شدند.

افشانی، امانی و میرمنگره (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای نشان دادند که بین زنان و مردان در ارتکاب رفتارهای پرخطر مصرف مواد مخدر، مصرف الکل، مصرف سیگار،

خشونت، رفتار جنسی، رابطه با جنس مخالف و رانندگی خطرناک تفاوت معناداری وجود داشت. همچنین بین مجردها و متأهلها به لحاظ ارتکاب رفتارهای پرخطر، مصرف سیگار و رانندگی خطرناک تفاوت معناداری وجود داشت و بین مؤلفه‌های رفتار پرخطر با میزان دین‌داری رابطه منفی و معناداری وجود داشت.

نتایج پژوهش رحمانی، قاسمی و هاشمیان‌فر (۱۳۹۴) نشان داد که تفاوت معناداری بین بیگانگی اجتماعی پسران و دختران نوجوان در شهر بجنورد وجود ندارد. بروز رفتارهای پرخطر و همچنین میزان بیگانگی اجتماعی در بین نوجوانان با پایگاه اجتماعی و اقتصادی پایین بیش از سایر نوجوانان است. با افزایش بیگانگی اجتماعی، بروز رفتارهای پرخطر در بین نوجوانان نیز افزایش می‌یابد. بیشترین قدرت پیش‌بینی رفتارهای پرخطر نوجوانان بجنورد مربوط به متغیرهای بی‌هنجاری و بی‌معنایی است.

پژوهش جواهرچیان، جنتی‌فر و صباغچی (۱۳۹۴) مشخص کرد که میزان رفتارهای پرخطر در بین پسران بیش از دختران بوده است. همچنین بین رفتارهای پرخطر با بیگانگی اجتماعی و ابعاد آن رابطه مثبت و معناداری وجود داشت. نتایج رگرسیون چندگانه نشان داد که از بین متغیرهای باقیمانده در مدل رگرسیون، انزوای اجتماعی و تنفر از خود در مجموع بیش‌ترین تأثیر را بر رفتارهای پرخطر داشتند.

علیوردی‌نیا (۱۳۹۳) در تحقیقی نشان داد که به‌طورکلی میانگین تمام ابعاد رفتارهای پرخطر در میان پسران (به‌غیر از خودکشی) بیشتر از دختران است. همچنین پیوند افتراقی تنها متغیری بوده است که با تمام ابعاد رفتارهای پرخطر ارتباط مستقیم و معنادار داشته است.

احمدی و معینی (۱۳۹۳) در مطالعه خود نشان دادند که بین درآمد، دلبستگی به خانواده و دوستان، تعهد به هنجارها، مشارکت، باور به اصول اخلاقی، مهارت‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر رابطه معناداری وجود دارد. همچنین، به لحاظ رفتارهای پرخطر، بین جنس، وضعیت تأهل، طبقه اجتماعی و ساختار خانواده تفاوت معناداری وجود داشت. اما بین سن، تحصیلات و رفتارهای پرخطر رابطه معناداری مشاهده نشد.

وثوقی و ساری (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای به این نتیجه رسیدند که بی‌هنجاری رایج‌ترین گونه بیگانگی در میان جوانان است و پس‌از آن بی‌معنایی در رتبه دوم، تنفر از خود در رتبه سوم، انزوای اجتماعی در رتبه چهارم و بی‌قدرتی در رتبه آخر قرار دارند. همچنین پدیده بیگانگی اجتماعی در بین دختران و پسران جوان وضعیت یکسانی را داراست.

سلیمانی و نایی (۱۳۹۱) در تحقیقی به این نتیجه رسیدند که احساس تنفر از خود در بین پاسخگویان بیشترین قدرت تبیین‌کنندگی بزهکاری را داشته است. همچنین رابطه معناداری بین احساس بی‌قدرتی، احساس بی‌هنجاری، احساس انزوا و احساس بی‌معنایی با رفتارهای بزهکارانه مشاهده شد.

یافته‌های تحقیق توفیق‌یان‌فر و حسینی (۱۳۹۱) نشان داد که بین متغیرهای مستقل (اعتماد اجتماعی، گرایش‌ات مذهبی جمعی، میزان هم‌نوایی اجتماعی و میزان رضایت از زندگی) و متغیر وابسته یعنی بیگانگی اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد و قوی‌ترین رابطه (همبستگی)، مربوط به متغیر اعتماد اجتماعی بوده است.

ون اویسل^۱ و همکاران (۲۰۱۷) در مطالعه خود بر روی نوجوانان به این نتیجه رسیدند که نوجوانانی که مصرف الکل را در سنین پایین‌تر شروع کرده‌اند، یا تاکنون ماری‌جوانا استعمال کرده‌اند و یا در خرابکاری شرکت داشته‌اند، احتمال بیشتری برای قربانی شدن در خشونت را نسبت به نوجوانانی که در این رفتارها شرکت نکرده‌اند، داشته‌اند. همچنین قربانی شدن در خشونت با علائم افسردگی و عزت‌نفس پایین نیز مرتبط بوده است.

نتایج تحقیق نینو^۲، کای^۳ و ایگناتو^۴ (۲۰۱۶) نشان داد که ابعاد مختلف بیگانگی اجتماعی تأثیرات مختلفی بر مصرف سیگار و شراب‌خواری دارد. جوانان بی‌علاقه به

-
1. Van Ouytsel J
 2. Michael D. Niño
 3. Tianji Cai
 4. Gabe Ignatow

روابط اجتماعی، در معرض خطر بیشتری برای مصرف سیگار و الکل بودند و جوانانی که به لحاظ اجتماعی اهل پرهیز بودند، احتمال کمتری (و نه تفاوت چشمگیری) برای مصرف داشتند.

ابوسلام^۱ و همکاران (۲۰۱۶) رابطه بین چشم‌انداز آینده، خودکارآمدی و رفتار جنسی پرخطر را مورد مطالعه قرار دادند. مشخص شد که هم خودکارآمدی و هم چشم‌انداز آینده، هر دو رابطه منفی با رفتار جنسی پرخطر داشته‌اند. همچنین چشم‌انداز آینده هیچ اثر تعدیل‌کننده‌ای بین خودکارآمدی و رفتار جنسی پرخطر نداشته است.

نوردمارکر^۲ و همکاران (۲۰۱۶) نقش عوامل جنسیتی و شخصیتی را در وندالیسم و دیوارنگاری بررسی کردند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان داد که تحریک‌پذیری متغیری مهم در ارتباط با وندالیسم و همچنین دیوارنگاری بوده است. همچنین یافته‌ها نشانگر آن است که تفاوت‌های جنسیتی قابل‌توجهی در ارتباط با هر دو متغیر وجود دارد که به‌موجب آن، شرکت‌کنندگان مرد به‌طور عمده در وندالیسم شرکت می‌کردند؛ درحالی‌که زنان به طرز قابل‌ملاحظه‌ای در دیوارنگاری نقش داشتند.

نیکول و راندینگ^۳ (۲۰۱۴) در مطالعه خود نقش تعدیل‌کننده بیگانگی را بر رابطه بین جهت‌گیری غالب اجتماعی، اقتدار راست‌گرا و ساختار شخصیت بررسی کردند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان داد که زمانی افراد احساس بیگانگی می‌کنند جهت‌گیری غالب اجتماعی و اقتدار راست‌گرا با ساختار شخصیت سازگار نبوده و هنگامی که بیگانگی کم‌تر بوده است، دو متغیر یادشده باهم تعامل داشته تا پیش‌بینی فرد را درباره موضوع هدایت کنند، در نتیجه احساس بیگانگی می‌تواند بر درک سازگاری درون یک سازمان و رابطه آن با جهت‌گیری غالب اجتماعی تأثیرگذار باشد.

-
1. Aboussalam N
 2. Nordmarker A
 3. Nicol AA and Rounding K

کرامود^۱ و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی اعتیاد و مصرف مواد مخدر را در دو ایالت شمال شرقی هند بررسی کردند. نتایج نشان داد که دلایل استفاده از مواد مخدر و الکل عبارت‌اند از: گوشه‌نشینی (انزوا)، فشارهای هیجانی، غلبه بر شرم در رابطه جنسی و لذت.

ریجتس^۲ و دیگران (۲۰۱۰) اثر بیگانگی را در میان جوانان بررسی کردند. نتایج نشان داد که بیگانگی، تهاجم شرکت‌کنندگان را به آن دسته از همسالان خود که توسط آن‌ها طرد شده بودند و نه همسالانی که آن‌ها را تحسین کرده بودند، افزایش داده است. به این ترتیب جوانان بیگانه هنگامی که رد حاد همسالان خود را تجربه می‌کنند، بیشتر از دیگران تهاجمی می‌شوند.

مطالعات مختلفی در مورد بیگانگی اجتماعی و همچنین رفتارهای پرخطر انجام شده است ولی به رابطه این دو متغیر در مطالعات قبلی چندان توجه نشده است. از طرف دیگر سنجش این دو متغیر و رابطه بین آن‌ها در بین جوانان به‌عنوان گروهی که در معرض جدی این دو متغیر هستند نیز کمتر مورد توجه قرار گرفته است، پس این مطالعه سعی دارد این خلأ پژوهشی را تا حدی مرتفع نماید.

۲.۲. چارچوب نظری

جامعه‌شناسان عمدتاً متوجه تبیین و تشریح چگونگی مخدوش شدن روابط اجتماعی و حالات و خصوصیات منصفانه و پرخاشگرانه فرد در قبال جامعه و ساخت اجتماعی هستند. به همین جهت تأکید آنان بر بیگانگی و آنومی است که در آن احساسات فرد نسبت به واقعیت اجتماعی سنجیده می‌شود. جامعه‌شناسان همچنین بر عواملی بیرونی و واقعیات اجتماعی که در بروز رفتارهای پرخطر و پرخاشگرانه مؤثر هستند، تأکید دارند و از این رو آن را مسئله‌ای تحمیلی در نظر می‌گیرند. آنچه روشن

1. Kermode
2. Reijntjes A

است اشتراک نظر آنان بر تأثیر عوامل اجتماعی و بیرونی در بروز رفتارهای پرخطر است. حتی آن دسته از جامعه‌شناسانی که در تبیین‌های خود به انگیزه‌های فردی نیز توجه دارند، در تحلیل‌های خود بیشتر به انگیزه‌هایی که از ارزش‌های نظام اجتماعی سرچشمه گرفته‌اند تأکید می‌ورزند. به‌طورکلی واژه خطر یا ریسک در ادبیات به معنای جسارت داشتن یا بروز رفتار یا تمایل به اقدام در جهتی با آینده‌ای نامعلوم است به‌نحوی که نمی‌توان نتایج آن را با اطمینان تشخیص داد. حداقل در بروز نتیجه دوگانه آن، یکی از نتایج احتمالی برای فرد بسیار مفید و سودمند و دیگری کاملاً زیان‌بار یا ترسناک خواهد بود (لیزکوک، ۱۳۸۴: ۱۲۵). گازمن^۱ (۲۰۰۷) معتقد است رفتارهای پرخطر عبارت‌اند از: رفتارهایی که اثرات نامطلوبی بر رشد همه‌جانبه و سلامتی نوجوانان دارند؛ که می‌توانند مانع موفقیت و رشد آتی آن‌ها گردند. این رفتارها (مانند دعوا کردن)، می‌تواند منجر به صدمات فیزیکی شده و یا رفتارهایی که اثرات منفی فزاینده (مانند سوءمصرف مواد) دارند را شامل گردند (به نقل از عارفی، ۱۳۹۳: ۹).

در منابع مربوط به رفتارهای پرخطر، پنج نوع رفتار از اهمیت و اولویت بیشتری برخوردار شده‌اند که آن‌ها عبارت‌اند از: الف) رفتار ضداجتماعی، ب) رفتار پرخاشگری، پ) رفتار اوباشی‌گری و ت) رفتار تخریب‌گری (ث) رفتار بزهکاری (ماهر، ۱۳۸۳: ۱۴۴-۱۸۱). کار گرگ و گروور^۲ (۲۰۰۳) خطرپذیری را به رفتارهایی اطلاق می‌کنند که احتمال نتایج منفی و مخرب جسمی، روان‌شناختی و اجتماعی را برای فرد افزایش می‌دهند (Gans et al., 1990: 7). در قلمرو نظریه‌های مددکاری اجتماعی در حوزه رفتارهای پرخطر، به سه نظریه عمومی فشار اگنیو، همنشینی افتراقی ساترلند و بازدارندگی اجتماعی هیرشی و گادفرسون اشاره می‌شود:

-
1. Gusman
 2. Carr Gregg, & Grover

نظریه عمومی فشار^۱ از رابرت اگنیو^۲: به تعیین و روشن شدن سطح خرد و فردی تأثیرات فشار کمک کرد. درحالی که مرتن تفاوت‌های طبقه اجتماعی را در نرخ جرم تبیین می‌کند، اگنیو می‌کوشد تبیین کند که چرا افرادی که استرس و فشار تحمل می‌کنند احتمال دارد مرتکب جرم شوند. اگنیو می‌کوشد تبیین عمومی‌تری از فعالیت مجرمانه در میان همه اعضاء جامعه ارائه کند تا این که نگاهش را به تبیین جرم طبقه پایین محدود کند. در سطح فردی، اگنیو یک نظریه فشار کلی مطرح کرده است که توجه خود را به روابط منفی با دیگران متمرکز کرده است. وی استدلال نمود این روابط منفی، هیجان‌های منفی را در شخص به وجود آورده و سپس هیجان‌های منفی جرم را به وجود می‌آورند. این یک نظریه کلی جرم است، ولی اگنیو به‌ویژه آن را برای تبیین این مسئله که چرا جوانان در بزهکاری و مصرف مواد مخدر درگیر می‌شوند بکار برد (Siegel, 2004: 205).

روابط منفی، روابطی هستند که در آنها افراد دیگر، شخصی را از رسیدن به یک هدف با ارزش بازمی‌دارند یا چیز باارزشی را از او می‌ستانند یا چیز ناخوشایند و ناخواسته را بر شخص تحمیل می‌کنند. برحسب نظر اگنیو، نظریه‌های پیشین فشار به روابطی توجه کرده‌اند که در قلمرو آنها مردم از رسیدن به هدف‌های باارزششان، همانند موفقیت پولی و جایگاه بازداشته می‌شوند، ولی اگنیو به روابطی توجه کرده که در حوزه آنها، شخص با یک وضعیت ناخوشایند روبرو می‌شود و نمی‌تواند از آنها بگریزد، یعنی روابطی که در حوزه آنها با شخص آن‌گونه که دوست دارد با او رفتار شود رفتار نمی‌کنند (ولد، ۱۳۸۰: ۲۳۹-۲۳۸). اگنیو معتقد است که انحرافات اجتماعی نتیجه مستقیم حالت‌های اثرگذار منفی مانند خشم و احساسات ناخوشایند هستند که به دنبال روابط اجتماعی مخرب ظاهر می‌شوند. او به این نتیجه رسید که حالت‌های اثرگذار منفی به وسیله منابع گوناگون فشار به وجود می‌آیند. البته همه مردمی که فشار

1. General strain theory
2. Agnew

تجربه می‌کنند ناگزیر به سوی جرم و انحرافات اجتماعی کشیده نمی‌شوند. اگنیو معتقد است سه منشأ کلی فشار وجود دارد که یکی از آن‌ها عدم موفقیت در دستیابی به اهداف با ارزش از نظر اجتماع است. دومین منبع فشار، حذف وقایع با ارزش از نظر اجتماعی است، مثلاً از دست دادن نزدیکان، طلاق پدر و مادر، اخراج از شغل یا مدرسه. منشأ سوم فشار، تجربه وقایع منفی از نظر ارزش‌های اجتماعی است که این شامل تجربیاتی مانند سوءاستفاده جنسی از کودکان، قربانی یک واقعه جنایی شدن و تنبیه‌های لفظی یا جسمانی می‌شود. اگنیو معتقد است که این فشارها تمایل به کج‌رفتاری را در فرد ایجاد می‌کنند. این‌که جرم و جنایت واقع شود یا نشود بستگی به موقعیت فرد و شرایطی دارد که می‌تواند با این وقایع نامطلوب بسازد، مبارزه کند یا با اشکال کج‌رفتاری، خشم خود را نشان دهد (ممتاز، ۱۳۸۱: ۷۸). در واقع، فرد از طریق جرم، بر فشارها و هیجان‌های منفی غلبه می‌کند؛ جرم ممکن است راهی برای کاهش یا فرار از فشار باشد.

نظریه بازدارندگی اجتماعی هیرشی: دارای دو بُعد کنترل و خودکنترلی اجتماعی است. طبق این نظریه، افراد به این دلیل از قانون پیروی می‌کنند که رفتار و احساسات آن‌ها به وسیله نیروهای درونی و بیرونی کنترل می‌شود. کنترل اجتماعی به معنای پیوند اجتماعی فرد با محیط اجتماعی پیرامون است و گرفتاری زمانی واقع می‌شود که پیوند میان فرد و جامعه ضعیف باشد یا گسسته شود. هیرشی، فرد بزهکار را شخصی می‌داند که از تقیدات اجتماعی آزاد است و در واقع، به عقیده او، بزه زمانی اتفاق می‌افتد که فرد نسبت به قیدوبندهای اجتماعی کم‌اعتنا و یا بی‌اعتنا باشد. وی معتقد است که چهار عنصر وابستگی، تعهد، مشارکت و اعتقاد باعث پیوند فرد و جامعه می‌شوند و فقدان آن‌ها، نقش اساسی در درگیر شدن و گرفتاری نوجوانان در بزهکاری دارند. به اعتقاد هیرشی و گادفردسون، برخی از افراد دارای خودکنترلی^۱ هستند که از طریق یک حس اخلاقی قوی نمایان است. این حس افراد را از صدمه زدن به دیگران یا تخطی از

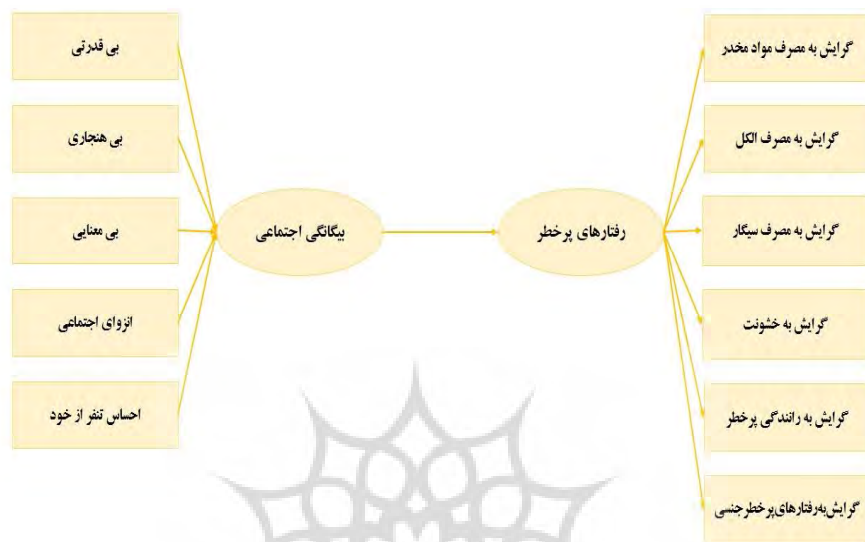
هنجارهای اجتماعی بر حذر می‌دارد (Siegel, 2003: 228). از نظر گادفردسون و هیرشی، تمایل به ارتکاب جرم، بستگی به سطح خودکنترلی دارد؛ به طوری که خودکنترلی پایین، احتمالی بیشتری برای درگیر شدن فرد در رفتار انحرافی به همراه دارد؛ در حالی که خودکنترلی قوی، احتمالی درگیر شدن در جرم را اندک می‌کند (ویلیامز و مک شین، ۱۳۹۱ به نقل از علیوردی نیا و یونسی، ۱۳۹۳: ۱۰۲)؛ در نتیجه افرادی که خودکنترلی پایینی دارند به اعمال مجرمانه و قانون‌شکنانه دست می‌زنند.

نظریه همنشینی افتراقی ساترلند^۱: جرم را به آنچه تفاوت ارتباطات نامیده است مربوط می‌داند. مفهوم تفاوت ارتباطات بسیار ساده است، در جامعه‌ای که دارای خرده‌فرهنگ‌های گوناگونی است برخی محیط‌های اجتماعی معمولاً مشوق فعالیت‌های غیرقانونی هستند، در صورتی که محیط‌های دیگر چنین نیستند، افراد از طریق ارتباط با دیگران که حامل هنجارهای تبه‌کارانه هستند، بزه‌کار یا تبه‌کار می‌شوند. به نظر ساترلند اکثر رفتار بزه‌کارانه درون گروه‌های نخستین به‌ویژه گروه همالان فراگرفته می‌شود (گیدنز، ۱۳۸۳: ۱۴۰). این‌که: «انحرافات آموخته می‌شوند»: نکته محوری نظریه ساترلند است. در این نظریه به مفهوم کنش و عاملیت کنشگران توجه می‌شود. او هم مانند مرتن و به پیروی از دورکیم بر این باور بوده است که کجروی رویدادی طبیعی در جامعه بوده است. در حالی که مرتن در سطح ساختار اجتماعی نشان داد که کجرفتاری پاسخی به شرایط اجتماعی غیرعادی است، ساترلند در سطح تعامل اجتماعی مدعی شد که افراد به همان شیوه‌ای که یاد می‌گیرند از قوانین پیروی کنند به همان شیوه یاد می‌گیرند که کجرفتار شوند.

در رابطه با مفهوم «بیگانگی» نیز باید اشاره کرد که بیگانگی بیشتر جنبه استعاره‌ای دارد. این کلمه در جامعه‌شناسی بیشتر به معنی سقوط اصول و عدم ملاحظه اصول و موازین به کار می‌رود (ربانی و انصاری، ۱۳۸۴: ۴۵). مسئله بیگانگی از خود و بیگانگی از اجتماع در افراد به حدی اهمیت دارد که بسیاری از نابهنجاری‌ها و کجروی‌های

اجتماعی از جمله خودکشی، اعتیاد، رفتارهای پرخطر و ... با بیگانگی اجتماعی رابطه دارند (ستوده، ۱۳۸۸: ۷۹). بیگانگی در تعریفی وسیع و عام به معنای انفصال، جدایی و عدم پیوند ذهنی (شناختی) و عینی (کنشی) بین فرد و محیط پیرامون او (یعنی جامعه، انسان‌های دیگر، ساختارهای اجتماعی و خود) است (زکی، ۱۳۸۸: ۲۷). در پژوهش حاضر، برای تدوین چارچوب نظری پژوهش از نظریه بیگانگی اجتماعی سیمن استفاده شده است. در این راستا، در رابطه با رفتارهای پرخطر در میان جوانان، باید گفت که عوامل اجتماعی - فرهنگی متعددی با این پدیده مرتبط هستند. یکی از عواملی که انتظار می‌رود با رفتارهای پرخطر جوانان مرتبط باشد، بیگانگی اجتماعی است.

برخی از آراء و نظریات، بر ارتباط بین بیگانگی اجتماعی و رفتارهای پرخطر تأکید می‌کنند. در میان نظریه‌ها، نظریه بیگانگی اجتماعی سیمن عنوان می‌کند که نحوه کنترل و مدیریت جامعه بر سیستم پاداش اجتماعی به گونه‌ای است که فرد ارتباطی بین رفتار خود و پاداش مأخوذه از جامعه نمی‌تواند برقرار کند، در چنین وضعیتی است که احساس بیگانگی بر فرد مستولی می‌گردد و او را به واکنشی منفعلانه و ناسازگارانه در قبال جامعه سوق می‌دهد (Secman, 1959: 783-791). طبق گزاره اصلی این نظریه، افراد بیگانه، که احساس بی‌قدرتی، احساس بی‌معنایی، احساس بی‌هنجاری، احساس انزوای اجتماعی و احساس تنفر از خود را تجربه و احساس نموده‌اند، واکنشی ناسازگارانه تر در قبال جامعه خواهند داشت تا افرادی که دارای احساس و دیدگاهی مثبت نسبت به جامعه هستند. از این رو، ارتکاب رفتارهای پرخطر متأثر از میزان بیگانگی اجتماعی است. به نحوی که اگر فرد بیگانه باشد، رفتارهای ناسازگارانه و یا پرخطر نیز خواهد داشت. مرتن (به نقل از محسنی تبریزی، ۱۳۸۳) معتقد است انسان‌ها در شرایط متفاوت کنش‌های متفاوتی از خود بروز می‌دهند. وی همچنین معتقد است، وقتی جامعه بر فرد کنترل داشته باشد، فرد احساس نوعی بی‌قدرتی خواهد کرد و هدف و هنجار از دید فرد پوچ و بی‌محتوا می‌شود و در چنین وضعیتی احساس بیگانگی بر فرد مستولی می‌شود و او را به کنشی منفصلانه، ناسازگارانه و خشونت‌آمیز در قبال جامعه سوق می‌دهد.



نمودار ۱- مدل نظری تحقیق

فرضیات

فرضیات اصلی:

- بین میزان بیگانگی اجتماعی و رفتارهای پرخطر رابطه وجود دارد.
- بین احساس بی قدرتی و رفتارهای پرخطر رابطه وجود دارد.
- بین احساس بی هنجاری و رفتارهای پرخطر رابطه وجود دارد.
- بین احساس بی معنایی و رفتارهای پرخطر رابطه وجود دارد.
- بین احساس انزوای اجتماعی و رفتارهای پرخطر رابطه وجود دارد.
- بین احساس تنفر و رفتارهای پرخطر رابطه وجود دارد.

فرضیات فرعی:

بین جنسیت، سن و وضعیت تأهل و میزان رفتارهای پرخطر رابطه وجود دارد.
بین متغیرهای زمینه‌ای (جنسیت، سن و وضعیت تأهل) و میزان بیگانگی اجتماعی رابطه وجود دارد.

۳. روش تحقیق

با توجه به این‌که هدف این تحقیق، تعیین رابطه بیگانگی اجتماعی و رفتارهای پرخطر در بین جوانان شهر مشهد است از رویکرد کمی و روش پیمایش^۱ استفاده شد. این مطالعه از نظر ماهیت، کاربردی و از نظر معیار زمان، مقطعی و به لحاظ وسعت، پهنانگر است.

۳.۱. جامعه مورد بررسی و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری پژوهش را کلیه جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله شهر مشهد تشکیل داده‌اند که بر اساس آمار سرشماری ۱۳۹۵ تعداد کل آن‌ها ۷۵۶۵۶۵ نفر است. شیوه نمونه‌گیری در این پژوهش، خوشه‌ای چندمرحله‌ای بوده است؛ به این ترتیب که از بین ۱۳ منطقه شهری مشهد، ۶ محله که به لحاظ ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی، شاخص‌تر بوده‌اند انتخاب شده، سپس از بین این شش محله، دو محله احمدآباد و هاشمیه به عنوان محلات مرفه نشین مشهد، دو محله قاسم‌آباد و میدان تختی به عنوان محلات با ساکنینی از قشر متوسط و دو محله سیدی و سپس‌آباد به عنوان محلات ضعیف شهر مشهد انتخاب شدند. در نهایت در هر کدام از این محلات، به صورت تصادفی تعدادی از منازل انتخاب شدند و در صورتی که جوان ۱۵ تا ۲۹ ساله داشتند پرسشنامه را تکمیل نمودند؛ در غیر این صورت خانه مجاور یا خانه بعدی جایگزین گردید و داده‌ها جمع‌آوری شد.

ابزار مورد استفاده در این مطالعه، پرسشنامه بوده است. پرسشنامه پس از احراز اعتبار و پایایی آن، در مراحل مقدماتی تحقیق، برای جمع‌آوری داده‌های موردنیاز در مرحله نهایی مورد استفاده قرار گرفت. به همین منظور، اولاً سعی شد گویه‌هایی که متغیرهای تحقیق را می‌سنجند یا از گویه‌های تحقیقات پیشین استخراج شوند و یا برای انتخاب بهترین گویه‌ها از نظرات محققان و استادان دیگر کمک گرفته شود. سپس در نهایت، یک‌بار دیگر پرسشنامه تدوین شده به استادان و متخصصان نشان داده و از نظرات آن‌ها برای تصحیح پرسشنامه استفاده شد. بنابراین اعتبار تحقیق حاضر از نوع محتوایی است. برای تعیین پایایی نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که نتایج نشان داد ابزار از مطلوبیت بالایی برخوردار است. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها، از نرم‌افزار کامپیوتری SPSS 22 و Amos و برای آزمون فرضیات، از ضریب همبستگی پیرسون، تی مستقل و مدل معادله ساختاری استفاده شد.

سنجش بیگانگی اجتماعی

جدول ۱- سنجش ابعاد مختلف بیگانگی

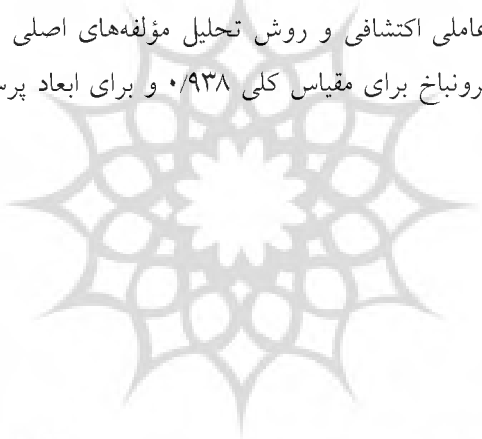
بار عاملی	میزان آلفای کرونباخ	گویه‌ها	ابعاد بیگانگی اجتماعی
۰/۷۰۰ ۰/۶۹۶ ۰/۷۲۹ ۰/۷۶۱ ۰/۷۱۶	۰/۷۶۴	در برخورد با مشکلاتی که در جامعه در حال افزایش است، بیش از پیش احساس ناتوانی می‌کنم. از صفت افرادی مثل من، برای جامعه کاری بر نمی‌آید. احساس می‌کنم تسلط چندانی بر مسیر زندگی‌ام ندارم. اینکه کسی جرأتد به اصلاح ساختار جامعه بردارد، خواب و خیالی بیش نیست. در فعالیت‌های مربوط به جامعه شرکت نمی‌کنم؛ چون معتقدم تأثیری در بهبود وضعیت جامعه ندارد.	احساس بی‌قدرتی
۰/۵۴۹ ۰/۵۷۵ ۰/۵۶۲ ۰/۵۴۷ ۰/۶۱۱	۰/۶۱۹	افرادی که قوانین را رعایت می‌کنند، تنها به دلیل ترس از مجازات است. از نظر من قواعد معیشتی وجود ندارد که خوان با آن زندگی کرد. وقتی کسی کارش را درست انجام نمی‌دهد اگر من کارم را دقیق انجام دهم، سرم کلاه رفته است. هر رفتاری از من سر بزند به نتایج و پیامدهای آن توجهی نمی‌کنم. برای رسیدن به هدف می‌توان دست به هر کاری زد.	احساس بی‌هتجاری
۰/۵۰۳ ۰/۶۶۸ ۰/۶۵۵	۰/۷۰۴	آینده جامعه را تیره و تاریک می‌بینم. گاهی احساس می‌کنم که این دنیا معنا و مفهومی ندارد. آینده شغلی جوانان امروز مبهم و غیر واضح است.	احساس بی‌معنایی
۰/۷۰۳ ۰/۶۵۴ ۰/۶۱۷ ۰/۶۰۸	۰/۶۳۸	از اینکه در کنار دوستانم باشم، احساس خوبی دارم. احساس می‌کنم دلخوشی چندانی در زندگی ندارم. نمی‌توانم مشکلات خود را با دیگران مطرح کنم. بیشتر اوقات دوستم دارم تنها باشم.	احساس انزوای اجتماعی
۰/۶۰۵ ۰/۶۹۴ ۰/۶۱۷ ۰/۶۸۱ ۰/۶۹۱ ۰/۶۶۸ ۰/۶۶۵ ۰/۶۵۹	۰/۶۸۴	از شرایط زندگی خود متنفر هستم. احساس می‌کنم که از دیگران بقیاندر هستم. احساس می‌کنم به درد هیچ‌کاری نمی‌خورم. ارزش‌های فرهنگی حاکم بر جامعه را دوست دارم. درس خواندن برایم لذت‌بخش است. گاهی اوقات از کارهای مستخره‌ای که انجام می‌دهم، از خودم بیزار می‌شوم. ارزش‌های جامعه نوعی فشار و محدودیت بر ما اعمال می‌کند. این‌قدر از فعالیت‌های فرهنگی و علمی بیزار هستم که دوست ندارم حتی لمسش را بشنوم.	احساس تنفر

بیگانگی اجتماعی و گرایش به رفتارهای پرخطر ... ۱۲۵

در مجموع، بار برآورد شده برای گویه‌های مربوط به ابعاد و مؤلفه‌های مختلف بیگانگی اجتماعی بزرگ‌تر از ۰/۵ هستند که بیانگر مناسب بودن ابزار اندازه‌گیری است.

سنجش رفتارهای پرخطر

برای سنجش و اندازه‌گیری رفتارهای پرخطر از پرسشنامه زاده محمدی و احمدآبادی (۱۳۸۷) استفاده شد. پاسخگویان موافقت یا مخالفت خود را با این سؤالات در یک مقیاس ۵ گزینه‌ای از کاملاً مخالف (۱ نمره) تا کاملاً موافق (۵ نمره) مطرح می‌کنند. اعتبار این مقیاس به روش همسازی درونی و با کمک آلفای کرونباخ و روایی سازه آن با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی و روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی مورد بررسی قرار گرفت. میزان آلفای کرونباخ برای مقیاس کلی ۰/۹۳۸ و برای ابعاد پرسشنامه ۰/۷۱۵ تا ۰/۹۳۱ بوده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۲- سنجش ابعاد مختلف رفتارهای پرخطر

بار عاملی	میزان آلفای کرونباخ	گروه‌ها	رفتارهای پرخطر
۰/۰۹۱ ۰/۰۸۷ ۰/۰۸۷ ۰/۰۸۲ ۰/۰۸۵ ۰/۰۸۱ ۰/۰۸۱ ۰/۰۸۴	۰/۰۹۲	مواد مخدر	اگر به من موادی مثل کراس، تریاک یا قرص اگس تعارف کند، رد نمی‌کنم. مواد مخدر اگر تفریحی استفاده شود، اجزاء آور نیست. این روزها کشیدن تریاک یا خشیش دیگر جیب نیست. آفتدرها هم که من گرفت قرص اگس، مضرت نیست. من به پارسی‌ها یا میهمانی‌هایی که در آنها مواد مخدر مصرف می‌شود، می‌روم. در بین دوستان نزدیک من، کسانی هستند که مواد مخدر مصرف کنند. قرص‌های اگس، به آدم شادی و هیجان می‌دهد. در صورت داشتن اراده قوی، یکبار مصرف مواد مخدر یا اگس اشکالی ندارد.
۰/۰۸۵ ۰/۰۸۵ ۰/۰۸۷ ۰/۰۸۶ ۰/۰۸۸ ۰/۰۸۸	۰/۰۹۲	الکل	اگر نوبی یک مهمانی به من الکل / مشروب تعارف شود بدم نمی‌آید که امتحان کنم. الکل، اجزاء آور نیست. الکل باعث می‌شود که آدم سخن‌های زندگی‌اش را فراموش کند. اگر آدم به اندازه مشروب بخورد هیچ اشکالی ندارد. بیشتر دوستان من الکل مصرف می‌کنند. من انواع مارک‌های الکل را می‌شناسم.
۰/۰۹۶ ۰/۰۹۸ ۰/۰۹۷ ۰/۰۹۳ ۰/۰۹۲	۰/۰۹۴	سیگار	سیگار باعث می‌شود حس بهتری داشته باشم. از نظر من سیگار کشیدن جیب نیست. من سیگار کشیدن را دوست دارم. سیگار کشیدن آدم را آرام می‌کند. اگر به من سیگار تعارف شود حتماً قبول می‌کنم.
۰/۰۶۰ ۰/۰۷۴ ۰/۰۷۴ ۰/۰۷۴ ۰/۰۷۵	۰/۰۷۹	عشورت	از روی حساسیت چیزهای زیادی را نکند یا جراب کرده‌ام. گاهی دلم می‌خواهد کسی را که ختم را پایمال کرده، او سبب بپریم. بدم نمی‌آید که با خودم جفت حمل کنم. چندین بار با مسالان خود درگیر شده‌ام و کار به فحش، تهدید و زد و خورد کشیده شده است. ممنوناً زود از کتوره در می‌روم و دجرا راه می‌اندازم.
۰/۰۸۳ ۰/۰۸۸ ۰/۰۸۵ ۰/۰۸۸ ۰/۰۸۹ ۰/۰۸۹ ۰/۰۸۵	۰/۰۹۵	رفتارهای جنسی	دوست دختر / پسر داشتن بد نیست. خیلی از دوستان من دوست دختر / پسر دارند. برای شناخت جنس مخالف هم که شده لازم است که آدم دوست دختر / پسر داشته باشد. من تا به حال دوست پسر / دختر نداشته‌ام. نظر من وقتی دو نفر از نظر احساسی به هم نزدیک شدند، نزدیکی جنسی اجزای تدارک رابطه جنسی باعث محکم‌تر شدن رابطه / عشق می‌شود. اگر کسی را عاشقانه دوست داشته باشم یا هم‌خانم / او رابطه جنسی داشته باشم، به هیز از ازدواج، من راه‌های دیگری را برای ارضای نیاز جنسی انتخاب می‌کنم.
۰/۰۸۹ ۰/۰۸۹ ۰/۰۸۳ ۰/۰۸۸ ۰/۰۸۵ ۰/۰۸۳	۰/۰۸۹	رانندگی پرخطر	ناجایی که بتوانم از چراغ قرمز رد می‌شوم. من از رانندگی با سرعت زیاد لذت می‌برم. من از حرکات نمایشی مثل لاین کشیدن، تک جرح زدن و مسابقه با دیگران خوشم می‌آید. من هر چقدر هم که سریع رانندگی کنم، می‌توانم ماشین / موتور را کنترل کنم. من اگر راننده بدم بسی می‌گردم از وسایلی برون که بتوانم با سرعت بیشتری برانم. من اغلب حوصله رانندگی با سرعت کم را ندارم.

بار برآورد شده برای گویه‌های مربوط به ابعاد و مؤلفه‌های رفتارهای پرخطر بزرگ‌تر از ۰/۵ است که بیانگر مناسب بودن ابزار اندازه‌گیری است.

۴. یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق در دو بخش توصیفی و استنباطی گزارش می‌شود:

۴.۱. توصیف داده‌ها

- نتایج حاصل از آماره‌های توصیفی، بیان‌کننده این است که از مجموع ۳۸۴ پاسخگوی این تحقیق، ۴۶/۲ درصد را مردان و ۵۳/۸ درصد را زنان تشکیل داده‌اند. همچنین اکثریت پاسخگویان مورد مطالعه را مجردها تشکیل داده‌اند؛ به عبارت دیگر، ۶۹/۸ درصد از پاسخگویان، مجرد و ۳۰/۲ درصد از پاسخگویان، متأهل بوده‌اند و اطلاعات توصیفی متغیر سن پاسخگویان در قالب یک سؤال باز مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که اکثریت پاسخگویان (۱۱/۶ درصد)، ۱۷ ساله بوده‌اند. میانگین سن پاسخگویان ۲۱/۸۳ سال است و در بازه سنی ۱۵-۲۹ سال قرار داشتند.

- همچنین یافته‌ها نشان داد که در مجموع، بیشتر پاسخگویان (۷۶/۹ درصد) به لحاظ بیگانگی اجتماعی در دامنه متوسط طیف قرار دارند در حالی که اکثر پاسخگویان (۶۷ درصد) به لحاظ رفتارهای پرخطر در دامنه پایین طیف قرار دارند.

۴.۲. نتایج تحلیل استنباطی دو متغیره

اگرچه هدف اصلی این پژوهش، بررسی رابطه متغیرهای بیگانگی اجتماعی و رفتارهای پرخطر بوده است ولی برای شناخت دقیق‌تر از وضعیت متغیرها در نمونه مورد مطالعه، به مقایسه این متغیرها بر حسب متغیرهای جمعیتی نیز پرداخته شده است

۷ جنسیت

طبق یافته‌های جدول شماره ۳، بین میانگین تمام ابعاد رفتارهای پرخطر در میان مردان و زنان تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین میانگین میزان رفتارهای پرخطر مردان در تمام ابعاد، بیشتر از میانگین میزان رفتارهای پرخطر زنان بوده است. چون سطح معناداری آزمون تی جهت مقایسه بیگانگی اجتماعی بین مردان و زنان، بیشتر از ۰/۰۵ ($Sig=0/247$) شده است؛ پس بین بیگانگی اجتماعی مردان و زنان تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

جدول ۳- خروجی آزمون تی مستقل جهت مقایسه میزان رفتارهای پرخطر و بیگانگی اجتماعی

برحسب جنس

متغیر	گروه‌ها	میانگین	انحراف معیار	تی	درجه آزادی	سطح معناداری																																																																		
رفتارهای پرخطر	مرد	۲/۳۴	۰/۸۱۰	۵/۵۸۴	۳۳۶/۱۹۸	۰/۰۰۰																																																																		
	زن	۱/۹۲	۰/۶۴۴				گرایش به مواد مخدر	مرد	۱/۹۵	۰/۸۸۳	۲/۶۵۹	۳۵۰/۸۸۶	۰/۰۰۸	زن	۱/۷۳	۰/۷۵۶	گرایش به الکل	مرد	۲/۲۲	۱/۰۷۵	۳/۹۵۶	۳۳۸/۷۴۹	۰/۰۰۰	زن	۱/۸۲	۰/۸۶۵	گرایش به سیگار	مرد	۲/۱۱	۱/۱۲۹	۳/۷۱۰	۳۲۱/۳۴۲	۰/۰۰۰	زن	۱/۷۳	۰/۸۳۴	گرایش به خشونت	مرد	۲/۳۶	۰/۹۱۸	۴/۳۲۸	۳۸۳	۰/۰۰۰	زن	۱/۹۷	۰/۸۳۵	گرایش به رفتارهای جنسی	مرد	۲/۷۳	۱/۰۵۶	۶/۵۲۵	۳۴۲/۰۶۹	۰/۰۰۰	زن	۲/۰۸	۰/۸۶۴	گرایش به رانندگی پرخطر	مرد	۲/۶۱	۱/۰۶۲	۴/۳۳۷	۳۸۲	۰/۰۰۰	زن	۲/۱۶	۰/۹۴۰	بیگانگی اجتماعی	مرد	۲/۸۴	۰/۵۹۲	۱/۱۶۰	۳۵۵/۲۲۹
گرایش به مواد مخدر	مرد	۱/۹۵	۰/۸۸۳	۲/۶۵۹	۳۵۰/۸۸۶	۰/۰۰۸																																																																		
	زن	۱/۷۳	۰/۷۵۶				گرایش به الکل	مرد	۲/۲۲	۱/۰۷۵	۳/۹۵۶	۳۳۸/۷۴۹	۰/۰۰۰	زن	۱/۸۲	۰/۸۶۵	گرایش به سیگار	مرد	۲/۱۱	۱/۱۲۹	۳/۷۱۰	۳۲۱/۳۴۲	۰/۰۰۰	زن	۱/۷۳	۰/۸۳۴	گرایش به خشونت	مرد	۲/۳۶	۰/۹۱۸	۴/۳۲۸	۳۸۳	۰/۰۰۰	زن	۱/۹۷	۰/۸۳۵	گرایش به رفتارهای جنسی	مرد	۲/۷۳	۱/۰۵۶	۶/۵۲۵	۳۴۲/۰۶۹	۰/۰۰۰	زن	۲/۰۸	۰/۸۶۴	گرایش به رانندگی پرخطر	مرد	۲/۶۱	۱/۰۶۲	۴/۳۳۷	۳۸۲	۰/۰۰۰	زن	۲/۱۶	۰/۹۴۰	بیگانگی اجتماعی	مرد	۲/۸۴	۰/۵۹۲	۱/۱۶۰	۳۵۵/۲۲۹	۰/۲۴۷	زن	۲/۷۸	۰/۵۱۹						
گرایش به الکل	مرد	۲/۲۲	۱/۰۷۵	۳/۹۵۶	۳۳۸/۷۴۹	۰/۰۰۰																																																																		
	زن	۱/۸۲	۰/۸۶۵				گرایش به سیگار	مرد	۲/۱۱	۱/۱۲۹	۳/۷۱۰	۳۲۱/۳۴۲	۰/۰۰۰	زن	۱/۷۳	۰/۸۳۴	گرایش به خشونت	مرد	۲/۳۶	۰/۹۱۸	۴/۳۲۸	۳۸۳	۰/۰۰۰	زن	۱/۹۷	۰/۸۳۵	گرایش به رفتارهای جنسی	مرد	۲/۷۳	۱/۰۵۶	۶/۵۲۵	۳۴۲/۰۶۹	۰/۰۰۰	زن	۲/۰۸	۰/۸۶۴	گرایش به رانندگی پرخطر	مرد	۲/۶۱	۱/۰۶۲	۴/۳۳۷	۳۸۲	۰/۰۰۰	زن	۲/۱۶	۰/۹۴۰	بیگانگی اجتماعی	مرد	۲/۸۴	۰/۵۹۲	۱/۱۶۰	۳۵۵/۲۲۹	۰/۲۴۷	زن	۲/۷۸	۰/۵۱۹																
گرایش به سیگار	مرد	۲/۱۱	۱/۱۲۹	۳/۷۱۰	۳۲۱/۳۴۲	۰/۰۰۰																																																																		
	زن	۱/۷۳	۰/۸۳۴				گرایش به خشونت	مرد	۲/۳۶	۰/۹۱۸	۴/۳۲۸	۳۸۳	۰/۰۰۰	زن	۱/۹۷	۰/۸۳۵	گرایش به رفتارهای جنسی	مرد	۲/۷۳	۱/۰۵۶	۶/۵۲۵	۳۴۲/۰۶۹	۰/۰۰۰	زن	۲/۰۸	۰/۸۶۴	گرایش به رانندگی پرخطر	مرد	۲/۶۱	۱/۰۶۲	۴/۳۳۷	۳۸۲	۰/۰۰۰	زن	۲/۱۶	۰/۹۴۰	بیگانگی اجتماعی	مرد	۲/۸۴	۰/۵۹۲	۱/۱۶۰	۳۵۵/۲۲۹	۰/۲۴۷	زن	۲/۷۸	۰/۵۱۹																										
گرایش به خشونت	مرد	۲/۳۶	۰/۹۱۸	۴/۳۲۸	۳۸۳	۰/۰۰۰																																																																		
	زن	۱/۹۷	۰/۸۳۵				گرایش به رفتارهای جنسی	مرد	۲/۷۳	۱/۰۵۶	۶/۵۲۵	۳۴۲/۰۶۹	۰/۰۰۰	زن	۲/۰۸	۰/۸۶۴	گرایش به رانندگی پرخطر	مرد	۲/۶۱	۱/۰۶۲	۴/۳۳۷	۳۸۲	۰/۰۰۰	زن	۲/۱۶	۰/۹۴۰	بیگانگی اجتماعی	مرد	۲/۸۴	۰/۵۹۲	۱/۱۶۰	۳۵۵/۲۲۹	۰/۲۴۷	زن	۲/۷۸	۰/۵۱۹																																				
گرایش به رفتارهای جنسی	مرد	۲/۷۳	۱/۰۵۶	۶/۵۲۵	۳۴۲/۰۶۹	۰/۰۰۰																																																																		
	زن	۲/۰۸	۰/۸۶۴				گرایش به رانندگی پرخطر	مرد	۲/۶۱	۱/۰۶۲	۴/۳۳۷	۳۸۲	۰/۰۰۰	زن	۲/۱۶	۰/۹۴۰	بیگانگی اجتماعی	مرد	۲/۸۴	۰/۵۹۲	۱/۱۶۰	۳۵۵/۲۲۹	۰/۲۴۷	زن	۲/۷۸	۰/۵۱۹																																														
گرایش به رانندگی پرخطر	مرد	۲/۶۱	۱/۰۶۲	۴/۳۳۷	۳۸۲	۰/۰۰۰																																																																		
	زن	۲/۱۶	۰/۹۴۰				بیگانگی اجتماعی	مرد	۲/۸۴	۰/۵۹۲	۱/۱۶۰	۳۵۵/۲۲۹	۰/۲۴۷	زن	۲/۷۸	۰/۵۱۹																																																								
بیگانگی اجتماعی	مرد	۲/۸۴	۰/۵۹۲	۱/۱۶۰	۳۵۵/۲۲۹	۰/۲۴۷																																																																		
	زن	۲/۷۸	۰/۵۱۹																																																																					

✓ سن

خروجی این آزمون نشان داد درحالی‌که بین متغیر سن و ابعاد گرایش به خشونت ($P < 0/01$) و گرایش به رانندگی پرخطر ($P < 0/05$)، همبستگی منفی و معناداری وجود دارد، رابطه معناداری بین متغیر سن و شاخص کلی رفتارهای پرخطر وجود ندارد ($P > 0/05$).

بین متغیر سن و میزان بیگانگی اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد ($P > 0/05$) و تنها بین سن و احساس تنفر از خود، همبستگی منفی و معناداری وجود دارد ($P < 0/05$).

جدول ۴- ماتریس همبستگی بین متغیر سن و ابعاد مختلف رفتارهای پرخطر و ابعاد بیگانگی اجتماعی

سن	ماتریس همبستگی					
	ضریب همبستگی	سطح معنی داری	احساس بی‌قدرتی	احساس بی‌هنجاری	احساس بی‌معنایی	احساس انزوای اجتماعی
سن	ضریب همبستگی	۰/۰۵۱	۰/۰۲۷	۰/۰۷۰	۰/۰۷۱	۰/۰۸۸
	سطح معنی داری	۰/۳۲۲	۰/۵۹۵	۰/۱۷۱	۰/۰۰۱	۰/۰۸۹
سن	ضریب همبستگی	۰/۰۵۳	۰/۰۱۰	۰/۰۵۵	۰/۰۵۲	۰/۰۲۱
	سطح معنی داری	۰/۳۰۷	۰/۸۴۴	۰/۲۸۵	۰/۳۱۶	۰/۶۸۷

۷ رابطه وضعیت تأهل و رفتارهای پرخطر

همان‌طور که نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد، بین میانگین رفتارهای پرخطر در میان جوانان مجرد و متأهل تفاوت معناداری وجود دارد ($P < 0/05$) و میانگین رفتارهای پرخطر جوانان مجرد در ابعاد گرایش به الکل، گرایش به خشونت، گرایش به رفتارهای جنسی و گرایش به رانندگی پرخطر بیشتر از متأهلین بوده است ولی بین میانگین دو بُعد گرایش به مواد مخدر و گرایش به سیگار در میان جوانان مجرد و متأهل تفاوت معناداری وجود ندارد ($P > 0/05$).

طبق یافته‌های جدول شماره ۵، بین میانگین میزان بیگانگی اجتماعی در بین افراد مجرد و متأهل تفاوت معناداری وجود دارد ($P < 0/05$) و میانگین میزان بیگانگی اجتماعی در ابعاد احساس انزوای اجتماعی و احساس تنفر از خود، بیشتر از متأهلین بوده است ولی بین میانگین ابعاد احساس بی‌قدرتی، احساس بی‌هنجاری و احساس بی‌معنایی در میان جوانان مجرد و متأهل تفاوت معناداری وجود ندارد ($P > 0/05$).

جدول ۵- خروجی آزمون تی مستقل جهت مقایسه میزان رفتارهای پرخطر و بیگانگی اجتماعی برحسب وضعیت تأهل

متغیر	مقولات	میانگین	انحراف معیار	تی	درجه آزادی	سطح معناداری
رفتارهای پرخطر	مجرد	۲/۲۰	۰/۸۵۷	۳/۴۷۷	۳۷۵	۰/۰۰۱
	متأهل	۱/۹۱	۰/۸۰۹			
گرایش به مواد مخدر	مجرد	۱/۸۸	۰/۸۴۰	۱/۶۵۴	۳۷۵	۰/۰۹۹
	متأهل	۱/۸۳	۰/۸۹۸			
گرایش به الکل	مجرد	۲/۱۲	۱/۰۳۰	۳/۵۲۴	۲۵۹/۵۲۲	۰/۰۰۱
	متأهل	۱/۷۶	۰/۸۴۴			
گرایش به سیگار	مجرد	۱/۹۸	۱/۰۲۱	۱/۸۵۰	۳۷۵	۰/۰۶۵
	متأهل	۱/۷۷	۰/۹۵۵			

بیگانگی اجتماعی و گرایش به رفتارهای پرخطر ... ۱۳۱

۰/۰۴۸	۳۷۵	۱/۹۸۷	۰/۸۶۹	۲/۲۲	مجرد	گرایش به خشونت
			۰/۹۳۷	۲/۰۲	متاهل	
۰/۰۰۰	۲۵۱/۸۲۲	۴/۳۶۵	۱/۰۲۹	۲/۵۲	مجرد	گرایش به رفتارهای جنسی
			۰/۸۷۱	۲/۰۷	متاهل	
۰/۰۰۱	۳۷۴	۳/۰۹۸	۱/۰۴۷	۲/۴۸	مجرد	گرایش به رانندگی پرخطر
			۰/۹۲۷	۲/۱۳	متاهل	
۰/۰۱۲	۲۰۳/۰۶۳	۲/۵۴۲	۰/۵۳۱	۲/۸۵	مجرد	بیگانگی اجتماعی
			۰/۵۶۶	۲/۶۹	متاهل	
۰/۳۷۲	۱۸۸/۶۴۴	۰/۸۹۴	۰/۸۱۹	۲/۸۴	مجرد	احساس بی قدرتی
			۰/۹۵۲	۲/۷۵	متاهل	
۰/۰۷۰	۲۰۷/۸۷۵	۱/۸۱۹	۰/۸۳۲	۲/۶۶	مجرد	احساس بی هنجاری
			۰/۸۶۱	۲/۵۱	متاهل	
۰/۱۷۵	۲۱۹/۶۲۸	۱/۳۶۰	۰/۹۹۸	۳/۲۵	مجرد	احساس بی معنایی
			۰/۹۷۴	۳/۱۰	متاهل	
۰/۰۱۱	۲۱۷/۱۰۹	۲/۵۷۰	۰/۷۰۲	۲/۹۲	مجرد	احساس انزوای اجتماعی
			۰/۶۹۳	۲/۷۲	متاهل	
۰/۰۰۸	۲۳۴/۹۳۰	۲/۶۸۰	۰/۶۷۱	۲/۸۰	مجرد	احساس تنفر از خود
			۰/۶۰۹	۲/۶۱	متاهل	

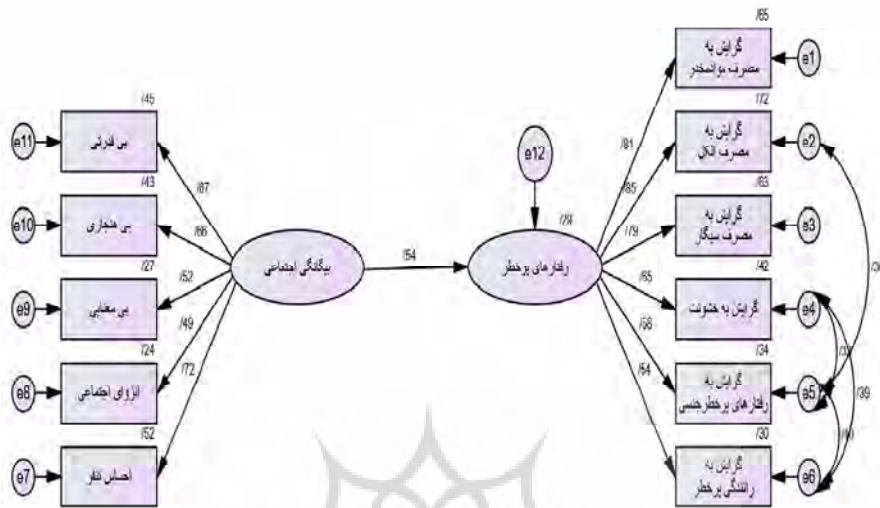
✓ ماتریس همبستگی ابعاد مختلف متغیرهای تحقیق

متغیر مستقل پژوهش حاضر، میزان بیگانگی اجتماعی و ابعاد آن است. برای بررسی نقش این متغیر و ابعاد آن در رفتارهای پرخطر و با توجه به این که این متغیرها در سطح فاصله‌ای اندازه‌گیری شده‌اند، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است که نتایج این آزمون‌ها در جدول شماره ۶ گزارش شده است:

جدول ۶- ماتریس همبستگی مرتبه صفر بین ابعاد متغیر مستقل و وابسته

گرایش به رانندگی پرخطر	گرایش به رفتارهای جنسی	گرایش به خشونت	گرایش به سیگار	گرایش به الکل	گرایش به مواد مخدر	بیگانگی اجتماعی	احساس تنفر	احساس انزوا	احساس بی‌معنایی	احساس بی‌هنجاری	احساس بی‌قدرتی	
											۰/۴۶۱***	احساس بی‌هنجاری
										۰/۳۱۱***	۰/۳۳۰***	بی‌معنایی
									۰/۳۰۲***	۰/۲۹۵***	۰/۲۸۴***	احساس انزوا
								۰/۳۳۸***	۰/۳۴۸***	۰/۴۵۰***	۰/۵۱۴***	احساس تنفر
							۰/۸۲۱***	۰/۵۵۸***	۰/۵۹۹***	۰/۷۱۶***	۰/۷۶۸***	بیگانگی اجتماعی (شاخص کلی)
						۰/۳۹۱***	۰/۲۶۶***	۰/۱۸۴***	۰/۲۶۶***	۰/۲۶۲***	۰/۳۲۳***	گرایش به مواد مخدر
					۰/۶۹۳***	۰/۳۹۵***	۰/۲۸۶***	۰/۲۲۱***	۰/۲۶۶***	۰/۳۵۲***	۰/۲۶۶***	گرایش به الکل
				۰/۶۸۷***	۰/۶۰۵***	۰/۳۸۲***	۰/۲۹۷***	۰/۱۹۴***	۰/۳۰۰***	۰/۳۰۵***	۰/۲۵۰***	گرایش به سیگار
			۰/۵۲۷***	۰/۵۱۳***	۰/۵۵۳***	۰/۲۵۱***	۰/۲۸۱***	۰/۱۴۹***	۰/۳۰۲***	۰/۲۷۵***	۰/۲۲۳***	گرایش به خشونت
		۰/۵۶۸***	۰/۵۱۱***	۰/۶۰۶***	۰/۴۴۹***	۰/۳۲۳***	۰/۲۳۶***	۰/۱۴۲***	۰/۳۹۴***	۰/۲۷۹***	۰/۱۳۸***	گرایش به رفتارهای جنسی
	۰/۵۷۵***	۰/۶۰۲***	۰/۴۹۱***	۰/۴۲۳***	۰/۴۳۹***	۰/۲۰۷***	۰/۱۸۹***	۰/۰۸۲	۰/۲۳۷***	۰/۱۷۳***	۰/۰۶۴	گرایش به رانندگی پرخطر
۰/۷۴۶***	۰/۸۱۲***	۰/۷۷۲***	۰/۷۹۰***	۰/۸۲۹***	۰/۷۸۶***	۰/۴۴۸***	۰/۳۲۲***	۰/۲۰۷***	۰/۳۸۴***	۰/۳۶۶***	۰/۲۵۴***	رفتارهای پرخطر (شاخص کلی)

*** معنی‌داری در سطح $p < ۰/۰۰۱$



شکل ۱- مدل معادله ساختاری اثر متغیر بیگانگی اجتماعی بر رفتارهای پرخطر

یافته‌های جدول شماره ۶ نشان می‌دهد که بین ابعاد مختلف بیگانگی اجتماعی با رفتارهای پرخطر رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر با افزایش سطح هر یک از مؤلفه‌های بیگانگی اجتماعی، میزان رفتارهای پرخطر نیز افزایش پیدا می‌کند. در بین ابعاد مختلف بیگانگی اجتماعی، بعد بی‌معنایی قوی‌ترین ($r=0/384$) و بُعد احساس انزوای اجتماعی ($r=0/202$) ضعیف‌ترین رابطه را با رفتارهای پرخطر دارند. همبستگی مثبت و معنادار شاخص بیگانگی اجتماعی با همه ابعاد رفتارهای پرخطر در جهت مورد انتظار است. بنابراین فرضیات پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرند. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که بیگانگی اجتماعی بالاترین همبستگی را با بُعد گرایش به الکل ($r=0/395$) دارد.

✓ مدل معادله ساختاری

جدول ۷- برآورد مقادیر مربوط به مدل‌های عاملی مدل معادله ساختاری

متغیر	خرده مقیاس	بار عاملی	مقدار بحرانی ^۱	سطح معناداری
رفتار پرخطر	گرایش به مصرف مواد مخدر	۰/۸۱	۱۰/۴۷۸	۰/۰۰۱
	گرایش به مصرف الکل	۰/۸۵	۱۰/۵۷۵	۰/۰۰۱
	گرایش به مصرف سیگار	۰/۷۹	۱۰/۵۵۵	۰/۰۰۱
	گرایش به خشونت	۰/۶۵	۱۱/۹۰۳	۰/۰۰۱
	گرایش به رفتار پرخطر جنسی	۰/۵۸	۱۰/۷۶۸	۰/۰۰۱
	گرایش به رانندگی پرخطر	۰/۵۴	--	--
بیگانگی اجتماعی	بی قدرتی	۰/۶۷	۱۰/۹۶۷	۰/۰۰۱
	بی هنجاری	۰/۶۶	۱۰/۳۰۲	۰/۰۰۱
	بی معنایی	۰/۵۲	۸/۴۶۵	۰/۰۰۱
	انزوای اجتماعی	۰/۴۹	۸/۲۵۴	۰/۰۰۱
	احساس تنفر	۰/۷۲	--	--

برحسب مقادیر برآورد شده در جدول شماره ۷ بارهای عاملی مربوط به همه خرده مقیاس‌های متغیر «رفتارهای پرخطر» و همچنین متغیر «بیگانگی اجتماعی» در وضعیت مطلوبی قرار دارند؛ به عبارت دیگر همبستگی متغیرهای «رفتارهای پرخطر» و «بیگانگی اجتماعی» با خرده مقیاس‌های مربوط به این متغیرها در حد متوسط به بالا برآورد می‌شوند؛ در نتیجه ابزار سنجش این متغیرها از اعتبار عاملی برخوردار است.

جدول ۸- برآورد مقادیر شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری

برآزش مقصد		برآزش تطبیقی				برآزش مطلق		شاخص
RMSEA	CMIN/DF	DF	PCFI	CFI	TLI	GFI	CMIN	
۰/۰۶۸	۲/۷۶۱	۳۹	۰/۶۸۰	۰/۹۵۹	۰/۹۴۳	۰/۹۵۴	۱۰۷/۶۹۶	مقدار

شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری بعد از همبسته کردن خطای اندازه‌گیری برخی از مؤلفه‌ها، با توجه به دامنه مطلوب این شاخص‌ها در مجموع بیانگر این است که مدل مفروض تدوین‌شده توسط داده‌های پژوهش حمایت می‌شوند. به عبارت دیگر، برازش داده‌ها به مدل برقرار است و همگی شاخص‌ها دلالت بر مطلوبیت مدل معادله ساختاری دارند.

جدول ۹- برآورد مقادیر اثر متغیر بیگانگی اجتماعی بر متغیر رفتارهای پرخطر

P. Value	مقدار بحرانی	خطای معیار	برآورد		ضریب تعیین	متغیر وابسته	مسیر	متغیر مستقل
			استاندارد	غیراستاندارد				
۰/۰۰۱	۱/۰۵۷	۰/۰۹۳	۰/۵۴۰	۰/۷۵۳	۰/۲۹۲	رفتارهای پرخطر	<<	بیگانگی اجتماعی

مقادیر برآورد شده در جدول شماره ۹ بیانگر این است که: الف) متغیر بیگانگی اجتماعی ۲۹/۲ درصد از واریانس متغیر رفتارهای پرخطر را تبیین می‌کند، با در نظر گرفتن مقادیر مربوط به حجم اثر شاخص ضریب تعیین، این مقدار نسبتاً بزرگ برآورد می‌شود. به عبارت دیگر، متغیر بیگانگی اجتماعی در حد نسبتاً بالایی توان تبیین واریانس متغیر رفتارهای پرخطر را دارد. ب) اثر متغیر بیگانگی اجتماعی بر متغیر رفتارهای پرخطر به لحاظ آماری معنادار است ($P \leq 0/05$). بنابراین، فرض پژوهش مبنی بر این که متغیر بیگانگی اجتماعی بر متغیر رفتارهای پرخطر تأثیر دارد، تأیید می‌شود. با توجه به مقدار ضریب تأثیر (۰/۵۴۰) می‌توان گفت این اثر مستقیم و نسبتاً قوی برآورد می‌شود، به این معنا که افزایش بیگانگی اجتماعی می‌تواند در حد بالایی منجر به تقویت یا افزایش رفتارهای پرخطر و برعکس کاهش بیگانگی اجتماعی می‌تواند منجر به تضعیف یا کاهش رفتارهای پرخطر گردد.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در هر جامعه‌ای سطحی از رفتارهای پرخطر (مصرف مواد مخدر، سیگار، الکل، خشونت، رفتار جنسی و رانندگی خطرناک) وجود دارد و طبق آمارها نیز هرروز بر میزان این رفتارها افزوده می‌شود. افزایش این رفتارها هم می‌تواند باعث ایجاد مسائل فردی و هم مسائل جدی برای سلامت جامعه گردد و در حرکت جامعه به سمت رشد و پیشرفت خلل ایجاد کند. یکی از عواملی که در تشدید این مسئله بسیار اثرگذار است بیگانگی اجتماعی جوانان است. زمانی که افراد جامعه خود را با ساختارها و روابط موجود در فرآیندهای اجتماعی بیگانه می‌بندند، دست به رفتارهای انحرافی و نامتعارف زده و از این طریق هنجارها و ارزش‌های مسلط بر جامعه را نقض می‌کنند که این خود باعث ایجاد مشکلات عدیده‌ای در سطح جامعه و نظم اجتماعی موجود می‌شود. به همین جهت، پژوهش حاضر به بررسی رابطه بیگانگی اجتماعی با رفتارهای پرخطر پرداخته است. پس از طی مراحل مقدماتی و مرور پژوهش‌ها و تحقیقات داخلی و خارجی، نظریات مرتبط با موضوع موردبررسی قرار گرفت و سپس جهت بررسی و تحلیل فرضیات پژوهش با استفاده از تکمیل پرسشنامه در یک نمونه ۳۸۴ نفری از جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله شهر مشهد، داده‌های موردنیاز جمع‌آوری شده و به‌وسیله تکنیک‌ها و آزمون‌های آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

بر اساس نتایج توصیفی پژوهش، بیشتر پاسخگویان (۷۶/۹ درصد) به لحاظ بیگانگی اجتماعی در دامنه متوسط طیف قرار دارند درحالی‌که اکثر پاسخگویان (۶۷ درصد) به لحاظ رفتارهای پرخطر در دامنه پایین طیف قرار دارند. طبق یافته‌های تحقیق، بین میانگین تمام ابعاد رفتارهای پرخطر در مردان و زنان تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین میانگین میزان رفتارهای پرخطر مردان در تمام ابعاد، بیشتر از میانگین میزان رفتارهای پرخطر زنان بوده است؛ بر این اساس، در بین نظریات روانشناسی اجتماعی، نظریه یادگیری اجتماعی باندورا این مسئله را این‌طور تبیین می‌کند که رفتار در نتیجه کنش متقابل بین شناخت و عوامل محیطی به وجود می‌آید؛

یعنی مفهومی که تأثیر متقابل نامیده می‌شود. شخص می‌تواند به کمک فرآیند الگوسازی و با مشاهده دیگران، چه تصادفاً و چه به‌طور آگاهانه، یاد بگیرد. انتخاب الگوی یادگیری توسط شخص، تحت تأثیر عوامل مختلفی نظیر «سن، جنس و موقعیت اجتماعی» است و الگوهای برگزیده‌شده توسط فرد یا مطابق با ارزش‌ها و هنجارهای رسمی جامعه است و یا فرد ممکن است الگوهای رفتار انحرافی را برگزیند. کانون توجه نظریه یادگیری اجتماعی، فرآیند مدل‌سازی^۱ است که در آن شخص رفتار اجتماعی دیگران را به‌وسیله مشاهده و تقلید یاد می‌گیرد و آموختنی‌ها از طریق پاداش و تنبیه تقویت می‌شوند؛ به این معنا که زنان و مردان هرکدام مطابق با ارزش‌ها و الگوهای جنسیتی و همچنین موقعیت‌های اجتماعی مختلفی که در آن دست به کنش می‌زنند و نیز به علت شخصیت‌های متفاوتی که آن‌ها کسب کرده‌اند، میزان و نوع متفاوتی از انحراف را بروز می‌دهند. همچنین نتایج هم‌راستا با نتایج پژوهش جواهرچیان، جنتی‌فر و صباغچی (۱۳۹۴)، علیوردی‌نیا (۱۳۹۳)، افشانی، امانی و میرمنگره (۱۳۹۴) بود. درحالی‌که تفاوت معناداری بین بیگانگی اجتماعی پسران و دختران جوان در شهر مشهد وجود نداشت که هم‌راستا با نتایج پژوهش رحمانی، قاسمی و هاشمیان‌فر (۱۳۹۴) است.

رابطه بین سن و رفتارهای پرخطر و سن و بیگانگی اجتماعی معنادار نشد؛ به این دلیل که بازه سنی مورد بررسی در این پژوهش محدود بوده و واریانس سن چندان زیاد نبوده است. یافته‌ها حاکی از این است که میانگین رفتارهای پرخطر جوانان مجرد در ابعاد گرایش به الکل، گرایش به خشونت، گرایش به رفتارهای جنسی و گرایش به رانندگی پرخطر بیشتر از متأهلین بوده است ولی بین میانگین دو بُعد گرایش به مواد مخدر و گرایش به سیگار در میان جوانان مجرد و متأهل تفاوت معناداری وجود ندارد؛ که هم‌راستا با نتایج تحقیق افشانی، امانی و میرمنگره (۱۳۹۴) است؛ همچنین بیگانگی

اجتماعی جوانان مجرد در ابعاد احساس انزوای اجتماعی و احساس تنفر از خود بیشتر از متأهلین بوده است.

بررسی رابطه بیگانگی اجتماعی و ابعادش با بروز رفتارهای پرخطر نشان داد که هر چه بر میزان بیگانگی اجتماعی و ابعادش افزوده شود، بروز رفتارهای پرخطر نیز برای جوانان افزایش خواهد یافت؛ می‌توان این موضوع را به‌وسیله نظریه پیوند اجتماعی هیرشی این‌طور تبیین نمود که او معتقد است گرفتاری زمانی واقع می‌شود که پیوند میان فرد و جامعه ضعیف باشد یا گسسته شود. هیرشی، فرد بزهکار را شخصی می‌داند که از تقیدات اجتماعی آزاد است و در واقع، بزه زمانی اتفاق می‌افتد که فرد نسبت به قیدوبندهای اجتماعی کم‌اعتنا و یا بی‌اعتنا باشد. او این تقیدات را در قالب چهار مفهوم مطرح می‌کند. هیرشی معتقد است که چهارعنصر اصلی عامل پیوند فرد و جامعه هستند که فقدان آنها، نقشی اساسی در درگیر شدن و گرفتاری نوجوانان به بزهکاری دارند که عبارت‌اند از: وابستگی، تعهد، مشارکت و اعتقاد. همچنین نتایج همسو با یافته‌های پژوهش رحمانی، قاسمی و هاشمیان‌فر (۱۳۹۴)، جواهرچیان، جنتی‌فر و صباغچی (۱۳۹۴)، سلیمانی و نایبی (۱۳۹۱) بوده است. همچنین در بین ابعاد مختلف بیگانگی اجتماعی، بُعد بی‌معنایی بیشترین ($r=0/384$) و بُعد احساس انزوای اجتماعی ($r=0/202$) کمترین تأثیر را در رفتارهای پرخطر دارند. یافته‌ها نشان می‌دهد که بیگانگی اجتماعی بالاترین همبستگی را با بُعد گرایش به الکل ($r=0/395$) دارد.

با توجه به همبستگی بین بیگانگی اجتماعی و رفتارهای پرخطر و قدرت تبیین ۲۹/۲ درصدی بیگانگی اجتماعی در بروز رفتارهای پرخطر جوانان، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در زمینه کاهش بیگانگی اجتماعی به‌عنوان عامل خطر در بروز رفتارهای پرخطر ضرورتی می‌نماید. سیمن (۱۹۵۶) معتقد است اگر افراد دچار بیگانگی اجتماعی بشوند و احساس کنند که هیچ‌گونه قدرتی در برابر نیروهای اجتماعی ندارند، گرایش بیشتری به انجام رفتارهای وندالیستی دارند. مرتن معتقد است انسان‌ها در شرایط متفاوت کنش‌های متفاوتی از خود بروز می‌دهند. وی همچنین معتقد است، وقتی جامعه

بر فرد کنترل داشته باشد، فرد احساس نوعی بی‌قدرتی خواهد کرد و هدف و هنجار از دید فرد پوچ و بی‌محتوا می‌شود و در چنین وضعیتی احساس بیگانگی بر فرد مستولی می‌شود و او را به کنشی منفصلانه، ناسازگارانه و خشونت‌آمیز در قبال جامعه سوق می‌دهد. کوهن نیز معتقد است، وقتی فرد دچار احساس انزوا که یکی از ابعاد بیگانگی اجتماعی است؛ می‌شود، سعی دارد این احساس را از خود دور کند، بنابراین به رفتار انحرافی برای کسب لذت و شادی روی می‌آورد.

در این راستا توصیه می‌شود برای غنابخشی به شخصیت جوانان و کاهش بی‌هویتی، بی‌قدرتی و بیگانگی از ارزش‌های فرهنگی، زمینه مشارکت فعال جوانان را در شورای محلات و در انجمن‌های علمی و فرهنگی مدارس فراهم کرده و از این طریق حس بودن و اثرگذاری آن‌ها در امور را تقویت کنند. در شهر مشهد نیز توصیه می‌شود نهادهایی که قابلیت جذب جوانان و هویت‌بخشی به آن‌ها را دارا هستند، زمینه‌های حضور فعال و مشارکت جوانان را فراهم سازند تا از این طریق جوان با حضور پیدا کردن در اجتماعات و برخورداری از شبکه‌های اجتماعی، تصور مثبتی از خود پیدا کرده و اوقات فراغت برنامه‌ریزی شده‌ای را تجربه نماید. یکی از نهادها، حرم مطهر است که می‌تواند زمینه جذب آسان جوانان را برای خادمی فراهم سازد. در سطح خانواده نیز می‌توان برنامه‌های آموزشی را با حضور والدین برگزار کرد و در آن به والدین، مهارت مشورت، تصمیم‌گیری و نظرخواهی از فرزندان را در انجام امور آموزش داد.

همچنین در جامعه عصر حاضر که افرادی چون اولریش بک آن را جامعه مخاطره‌آمیز می‌نامند و گیدنز نیز از مخاطرات جامعه عصر حاضر سخن می‌گوید، وجود مخاطرات و عدم قطعیت در خصوص آینده، امکان افزایش احساس بیگانگی اجتماعی را در فرد افزایش می‌دهد. جوانان با کسب آموزش‌های لازم می‌توانند به کنشگری فعال تبدیل شوند و با تکیه بر قدرت تفکر خود پیامدهای رفتار و اعمال خود را بازاندیشی کنند، ضمن آنکه با متوجه نمودن جوانان به تأثیرات متقابل فرد و جامعه، جوانان

می‌توانند به نقش خود در تعیین سرنوشت و آینده خود آگاه شوند و با پیدا کردن نقش خود در جامعه از احساس بیگانگی اجتماعی آن‌ها کاسته شود که این موضوع علاوه بر آموزش می‌تواند از طریق ارائه الگوهای موفق نیز انجام شود.

- پیشنهاد می‌شود خانواده‌ها برای اعمال نظارت صحیح بر رفتار فرزندان مورد آموزش قرار گیرند؛ چرا که جامعه‌پذیری اولیه که در خانواده و در کودکی اتفاق می‌افتد، تأثیر عمیقی در آینده فرزندان دارد. جوانانی که جامعه‌پذیری درستی را گذرانده‌اند، کمتر سراغ رفتارهای انحرافی و نامتعارف می‌روند.

- در سطح مدرسه نیز پیشنهاد می‌شود فضایی مبتنی بر همدلی و صمیمیت ایجاد شود؛ از طریق برگزاری اردوهای تفریحی-آموزشی، تکیه بیشتر بر بخش پرورشی و استعدادیابی و کاربرد مفاهیم آموزشی در رفتارها و اعمال کارکنان مدارس و نیز آموزش تعاون و دگرخواهی به جای رقابت و خودمحوری به دانش‌آموزان.

بر اساس آنچه گفته شد و بر اساس نتیجه پژوهش مبنی بر قدرت تبیین رفتارهای پرخطر جوانان به‌وسیله بیگانگی اجتماعی، هر نوع برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در راستای کاهش احساس بیگانگی اجتماعی می‌تواند در کاهش بروز رفتارهای پرخطر تأثیرگذار باشد.

منابع

- احمدی، حبیب و معینی، مهدی. (۱۳۹۴)، بررسی رابطه مهارت‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر جوانان: مطالعه موردی شهر شیراز. *پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*. شماره ۱.
- افشانی، سید علیرضا؛ امانی، شرمین و میرمنگره، اکرم. (۱۳۹۴)، دین‌داری و رفتارهای پرخطر. *فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)*، دوره ۹، شماره ۲.
- باریکانی، آمنه. (۱۳۸۷)، رفتارهای پرخطر در نوجوانان مدارس راهنمایی و دبیرستان‌های شهر تهران. *مجله روان‌پزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، دوره ۱۴، شماره ۲.

بیگانگی اجتماعی و گرایش به رفتارهای پرخطر ... ۱۴۱

- توفیق‌یان‌فر، علی حسن و حسینی، سید احمد. (۱۳۹۱)، بررسی بیگانگی اجتماعی جوانان و عوامل اجتماعی مرتبط با آن (نمونه: جوانان شهر یاسوج). *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، دوره ۸، شماره ۸.
- جانی، ستاره؛ مولایی، مهری؛ هاشمی، جواد. (۱۳۹۳)، نقش اعتیاد به اینترنت در گرایش به مصرف مشروبات الکلی، رفتارهای جنسی، چت و هک کردن در نوجوانان اردبیل. *فصلنامه دانش‌انظامی اردبیل*، دوره ۱، شماره ۴.
- جواهرچیان، ندا؛ جنتی‌فر، اکبر؛ صباغچی، مرجان. (۱۳۹۴)، بررسی رابطه بین رفتارهای پرخطر و بیگانگی اجتماعی در بین جوانان شهر یزد. *فصلنامه دانش‌انظامی یزد*، دوره ۲، شماره ۶.
- ربانی، رسول؛ انصاری، محمداسماعیل. (۱۳۸۸)، *جامعه‌شناسی کار و شغل دیدگاه و نظریه‌ها*، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- رحمانی، مریم؛ قاسمی، وحید؛ هاشمیان‌فر، علی. (۱۳۹۴)، بررسی رابطه بیگانگی اجتماعی با بروز رفتارهای پرخطر در بین نوجوانان شهر بجنورد. *فصلنامه دانش‌انظامی خراسان شمالی*، دوره ۲، شماره ۸.
- زاده محمدی، علی؛ احمدآبادی، زهره. (۱۳۸۷)، هم‌وقوعی رفتارهای پرخطر در بین نوجوانان دبیرستان‌های شهر تهران. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، دوره ۴، شماره ۱۲.
- زکی، محمدعلی. (۱۳۸۸)، بیگانگی اجتماعی جوانان (مطالعه موردی: دانشجویان دختر و پسر دانشگاه اصفهان). *فصلنامه پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه*، دوره ۳، شماره ۳.
- ستوده، هدایت‌الله. (۱۳۸۸)، *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)*، تهران: انتشارات آوای نور، چاپ بیستم.
- سلیمانی، مهدی؛ نایی، هوشنگ. (۱۳۹۱)، تبیین رابطه بین ازخودبیگانگی و بزهکاری نوجوانان (مطالعه موردی، نوجوانان ۱۲ تا ۱۸ سال دبیرستان‌های تهران). *فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی*، شماره ۳۲.
- سلیمانی‌نیا، لیلا؛ جزایری، علیرضا؛ محمدخانی، پروانه. (۱۳۸۴)، نقش سلامت روان در ظهور رفتارهای پرخطر نوجوانان. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، دوره ۵، شماره ۱۹.
- شاملو، سعید. (۱۳۸۰)، *آسیب‌شناسی روانی*، تهران: انتشارات رشد.
- شعاع‌کازمی، مهرانگیز و مؤمنی، جاوید. (۱۳۹۳)، *آسیب‌های اجتماعی (نوپدید) با تأکید بر تئوری‌های زیربنایی و راهکارهای مقابله‌ای*، تهران: آوای نور.

- شهبازیان خونیک، آرش؛ حسنی، امید. (۱۳۹۷)، تمایز دانشجویان با احساس تنهایی بالا و پایین بر اساس رفتارهای پرخطر. *بهداشت‌کار و ارتقاء سلامت*. شماره ۲.
- عارفی، مختار. (۱۳۹۳)، اثربخشی ماتریکس بر کاهش رفتارهای پرخطر جنسی مردان معتاد شهر کرمانشاه. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی*، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه.
- عطادخت، اکبر؛ فلاحی، وحید؛ احمدی، شیرین. (۱۳۹۶)، نقش ازخودبیگانگی تحصیلی و احساس تنهایی در پیش‌بینی گرایش نوجوانان به رفتارهای پرخطر. *فصلنامه سلامت اجتماعی و اعتیاد*، دوره ۴، شماره ۱۴.
- علیوردی‌نیا، اکبر؛ یونسی، عرفان. (۱۳۹۳)، تأثیر میزان خودکنترلی بر ارتکاب جرم در میان دانشجویان. *فصلنامه راهبرد فرهنگ*. شماره ۲۶.
- علیوردی‌نیا، اکبر. (۱۳۹۳)، مطالعه رفتارهای پرخطر دانشجویان از دیدگاه جامعه‌شناختی. *فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)*، دوره ۷، شماره ۳.
- کوک، لیز؛ راسل، برایان. (۱۳۸۴)، *سبک‌های رهبری مدیران زن و مرد*، ترجمه: مهدی ایران‌نژاد پاریزی، تهران: نشر مدیران.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۳)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه: منوچهر صبوری، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات نی.
- ماهر، فرهاد. (۱۳۸۳)، رفتارهای پرخطر در اوقات فراغت جوانان، روندها و الگوها. *فصلنامه مطالعات جوانان*، شماره ۶.
- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۷۰)، بیگانگی مفهوم‌سازی و گروه‌بندی تئوری‌ها در حوزه‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناسی. *نامه علوم اجتماعی*، دوره ۲، شماره ۰.
- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۸۳)، *وندالیسم؛ مبانی روان‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی رفتار وندالیستی در مباحث آسیب‌شناسی و کژ رفتاری اجتماعی*، تهران: نشر آن.
- محمودی، ناهیدالملوک؛ بهمن‌پور، حمید؛ باسامی، طاهره. (۱۳۸۹)، بررسی عوامل مؤثر بر ریسک‌پذیری دانشجویان. *فصلنامه جامعه‌شناس کاربردی*، شماره ۳۸.
- ممتاز، فریده. (۱۳۸۱)، *انحرافات اجتماعی، نظریه‌ها و دیدگاه‌ها*. تهران: شرکت سهامی انتشار.

بیگانگی اجتماعی و گرایش به رفتارهای پرخطر ... ۱۴۳

- مهربانی، حسینعلی؛ محمودی، فهیمه؛ مولوی، حسین. (۱۳۹۵). پیش‌بینی گرایش به رفتارهای پرخطر بر اساس باورهای دینی، هیجان خواهی، آلودگی محیط و رسانه‌ها در دانشجویان دختر. *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، دوره ۱۷، شماره ۲.
- وثوقی، منصوره؛ ساری، محسن. (۱۳۹۲). گونه‌های مختلف بیگانگی اجتماعی جوانان (تحقیق در شهر تهران). *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*. شماره ۳.
- ولد، جورج. (۱۳۸۰). *جرم‌شناسی نظری*، ترجمه: علی شجاعی، تهران: انتشارات سمت.
- یوسفی فرخاد، رضا؛ احمدی، شهرام؛ احمدنژاد، الهام؛ شیرمحمدی، لیلا؛ حاتمی، ساناز. (۱۳۸۶). بررسی شیوع رفتارهای پرخطر جنسی در دختران ۱۲-۲۰ ساله شهرستان ارومیه به روش تلفنی. *کنگره سراسری رفتارهای پرخطر زاهدان*. شماره ۳.

- Aboussalam, N., Naudé, L., Lens, W., & Esterhuyse, K. (2016). The relationship between future time perspective, self-efficacy and risky sexual behaviour in the Black youth of central South Africa. *Journal of Mental Health*, 25(2): 176-183.
- Carr, G.M., & Grover, S. (2003). Risk taking behavior of young women in Australia, screening for health risk behavior. *Medical journal of Australia*, 178(12): 601-604.
- Damondaran, A. (2000). *Models of Risk and Return*.
- Gans, J. E., Blyth, D. A., Elster, A. B., & Gaveras, L. L. (1990). *Americas adolescents: how healthy are they?*, Chicago: American Medical Association.
- Kermodé, M., Sono, C. Z., Songput, C. H., & Devine, A. (2013). Falling through the cracks: a qualitative study of HIV risks among women who use drugs and alcohol in Northeast India. *BMC international health and human rights*, 13(1): 9.
- Masten, A.S. (1991). Resilience and development: contributions from the study of children who overcome adversity. *Development and Psychopathology*, 2(4): 425-444.
- Nicol, A. A., & Rounding, K. (2014). The moderating role of alienation on the relation between social dominance orientation, right-wing authoritarianism, and person-organization fit. *Psychological reports*, 115(3): 710-724.

- Niño, M. D., Cai, T., & Ignatow, G. (2016). Social isolation, drunkenness, and cigarette use among adolescents. *Addictive behaviors*, 53: 94-100.
- Nordmarker, A, Hjarthag, f, Perrin-Wallqvist, R, & Archer, T. (2016). The roles of gender and personality factors in vandalism and scrawl-graffiti amongs wedish adolescents. *Psych Journal*, 5 (3): 180-190.
- Reijntjes, A., Thomaes, S., Bushman, B. J., Boelen, P. A., de Castro, B. O., & Telch, M. J. (2010). The outcast-lash-out effect in youth: Alienation increases aggression following peer rejection. *Psychological Science*, 21(10): 1394-1398.
- Seeman, M. (1959). On the meaning of alienation. *American sociological review*, 783-791.
- Van Ouytsel, J., Ponnet, K., & Walrave, M. (2017). The associations of adolescents' dating violence victimization, well-being and engagement in risk behaviors. *Journal of adolescence*, 55, 66-71.
- Siegel, Larry. (2003). *Criminology*. *Thamson-Wadsworth*.

